

بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی در تحلیل جهان‌بینی شهریار در اشعار ترکی آذری و فارسی

A Comparative Study of Conceptual Metaphors in Analysis of *Shahriyar* in his Turkish and Persian Poems

Ahmad Khani⁻
Hoorie Shaghaghizadeh⁻

محمدرضا احمدخانی⁻
حوریه شقاقی‌زاده⁻

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۸

Abstract

According to the cognitive perspective mental imagery forms the basis of metaphorical imagination. Also, it is believed that thoughts, experience and the culture of each nation is specific for the same nation and is reflected in their language. The present article with the aim of comparative study of conceptual metaphors, in two languages of Persian and Turkish attempts to show whether the metaphors of poems in poetry of Bilingual poet (like the *Shahriyar*) is language – dependent or not? The theoretical basis of this research is conceptual metaphor of Lakoff and Johnson (1980). Also Zoltán Kövecses (2010) argues that metaphors vary not only cross-culturally but also within cultures. This variation can occur along a number of dimensions including the social, regional, ethnic, style, subcultural, diachronic, and individual dimensions. This classification is examined on Persian and Turkish poetry of the *Shahriyar* and linguistic representations are analyzed in the two languages. The results and findings of this analysis confirmed the hypothesis and found that the frequency of occurrence of ontological metaphors in Turkish (97/3%) and Persian (99/35%) is higher than other metaphors, and metaphors of poem in poetry of Bilingual poet (like the *Shahriyar*) is language – dependent. Statistical analysis also showed that the metaphorical fields, "Nature", "religion or belief" are universal, but the metaphorical fields, "love and saying," "socio-political" and "race" are not universal, and the claim that metaphorical concept not only are linguistic categories, but also form the basis of human thinking and behavior is confirmed. As a result, some of the metaphors are formed accordance with general principles and the other part of it is affected by cultural biases, and social. The nature of imitation or even metaphoric use of a conceptual metaphor preferred over others, influenced by cultural beliefs in the principles of universal metaphors. And metaphoric influence of culture and environment is confirmed.

Keywords: Metaphor, Cognitive, the *Shahriyar*, Turkish, Persian.

چکیده

بر اساس دیدگاه شناختی، تصورات ذهنی مبنای شکل‌دهنده تصورات استعاره‌ای هستند. از سوی دیگر، اعتقاد بر این است که تفکرات، تجارب و فرهنگ هر ملت، خاص همان ملت است و در زبان آن‌ها بازتاب می‌یابد. مقاله حاضر با هدف بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی در دو زبان فارسی و ترکی آذری، به نگارش در آمده است و بر آن است تا به این سوال پاسخ دهد که چه عواملی بر شکل‌گیری استعاره‌ها در اشعار یک شاعر دو زبانه مانند شهریار دخیل هستند، و آیا این استعاره‌ها می‌توانند جهان‌بینی شاعر را منعکس کنند؟ چارچوب نظری این پژوهش، طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰ و ۱۹۹۳) از استعاره‌های مفهومی، و نیز زولتان کووچس (۲۰۰۵ و ۲۰۱۰) در تقسیم‌بندی استعاره‌ها، به جهانی و متغییر وابسته به بافت و فرهنگ است. استعاره‌ها در پنج گروه طبیعت، عشق و هجران، مذهبی و اعتقادی، سیاسی و اجتماعی و نژادی قرار گرفتند. نتایج آماری نشان داد که در قلمرو این دو زبان، حوزه‌های استعاره‌ای «طبیعت» و «مذهبی و اعتقادی» جهانی هستند ولی حوزه‌های استعاره‌ای «عشق و هجران»، «سیاسی و اجتماعی» و «نژادی» وابسته به زبان هستند، و این ادعا که تصورات استعاره‌ای نه تنها مقوله‌هایی زبانی هستند، بلکه اساس تفکر و رفتار آدمی را نیز شکل می‌دهند، تایید شد. در نتیجه، بخشی از استعاره‌ها در تطابق با مبانی همگانی شکل می‌گیرند، و بخش دیگری از آن‌ها تحت تأثیر مبانی فرهنگی و اجتماعی به وجود می‌آیند؛ یعنی ماهیت الگو برداری‌های استعاره‌ای، و حتی ترجیح کاربرد یک استعاره مفهومی بر دیگری، تحت تأثیر باورهای فرهنگی افراد در کنار مبانی جهانی استعاره‌ها می‌باشد، و نیز تأثیرپذیری ساخت استعاره‌ای از فرهنگ و محیط تأیید می‌شود.

کلیدواژه‌ها: استعاره، شناختی، شهریار، زبان ترکی، زبان فارسی.

– Associate Professor in Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author); ahmadkhani@pnu.ac.ir

– M.A. in Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran; hoorieshaghghi@ahoo.com

– دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول); ahmadkhani@pnu.ac.ir

– کارشناس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ hoorieshaghghi@ahoo.com

۱. مقدمه

استعاره‌ها فرآیندهای تفکر ما را منعکس می‌کنند و از این طریق، منبع خوبی برای بررسی تطابق بین اندیشه و زبان است. در بیست سال گذشته، دانشمندان علوم شناختی دستاوردهای مهمی در مورد ماهیت و اهمیت استعاره، و پیامدهای قابل توجه آن داشته‌اند. این یافته‌ها از این جهت که ما را وادار به بازنگری در مقولات معنی، مفهوم و اندیشه می‌کنند، نوآورانه هستند. استعاره پدیده‌ای صرفاً زبانی نیست، بلکه اساساً فرآیندی مفهومی و تجربی است که دنیای ما را می‌سازد. با چنین باوری، می‌توان نگرشی ژرف به نظام مفهومی و تمامی صورت‌های تعاملی نمادین داشت، که ریشه در تجربیات جسمانی دارند، و دارای ساختی تصویری هستند. یکی از مهم‌ترین ارکان ادبیات فارسی، استعاره است که از دیرباز مورد توجه شاعران، ادبا و نویسندگان بوده است. جلال‌الدین همایی (۱۳۷۰: ۲۵۰) در تعریف استعاره می‌گوید: «استعاره عبارت است از آن که یکی از طرفین مشبه ذکر، و طرف دیگر اراده شود». شفیع کدکنی نیز، استعاره را یکی از صور خیال در ادب فارسی و به‌ویژه شعر می‌داند، و معتقد است استعاره ریشه در تشبیه دارد، و در طول زمان و پس از طی دگرگونی و تحول، به استعاره تبدیل شده است (۱۳۷۵: ۱۱۸).

اگرچه کارکرد اولیه استعاره در شعر است، اما مک‌لیش (MacLeish: 1961)، به نقل از شفیع کدکنی (۱۳۷۵: ۱۲۲)، معتقد است که: «استعاره بیرون از شعر نیز، وجود دارد و در گفتار عادی و نثر نیز دیده می‌شود و در آن ماهیت استعاره به صورت نیم مرده است».

از سوی دیگر، استعاره‌ها به دلیل ارتباط با تجربه جسمانی، متأثر از بافت و محیط سخنگویان زبانی است. عوامل عمده بافتی از جمله زمان،

مکان جغرافیا و عوامل اجتماعی همچون سن، جنسیت، نژاد و ملیت و نیز عوامل فرهنگی، مذهبی، اعتقادی، سیاسی و نیز یک زبانگی و دو زبانگی در شکل‌گیری استعاره‌ها، دخیل هستند. بنابراین، استعاره روزه‌ای برای شناخت نظام مفهومی ذهن سخنگویان و نیز عناصر فرهنگی، اجتماعی و حتی ساختار زبانی است.

با توجه به اهمیت و کارکرد استعاره در زبان و نقش آن در انعکاس نظام مفهومی و جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و نیز بررسی تاثیر دو زبانگی بر استعاره، شهریار به‌عنوان شاعر دو زبانه، با زبان اول ترکی آذری و زبان دوم فارسی انتخاب گردید، تا با بررسی تطبیقی استعاره‌ها در اشعار او که به زبان ترکی آذری و فارسی هستند، مشخص شود که آیا تفاوتی بین استعاره‌ها در اشعار او به این دو زبان وجود دارد؛ و در صورتی که پاسخ مثبت باشد چه تفاوتی بین استعاره‌های اشعار این دو زبان وجود دارد و چه جنبه‌هایی از زبان ترکی آذری و فارسی و یا فرهنگ مرتبط با این دو زبان، عامل این تفاوت می‌شود.

۲. استعاره و فرهنگ

یکی از دیدگاه‌های جدیدی که بسیاری از نگرش‌های سنتی را نسبت به استعاره دچار چالش کرد و تاکنون نیز ادامه داشته، «نظریه استعاره مفهومی» است که نخستین بار توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، در کتابی تحت عنوان «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» مطرح شد. آن‌ها در این کتاب، این دیدگاه را که در آن استعاره، خصیصه‌ای مختص زبان، ابزار تخیل شاعرانه و آرایه‌ای بلاغی و گونه‌ای از کارکرد غیرمعمول زبان فرض می‌شد، رد کرده و بیان داشتند که استعاره به حوزه زبان محدود نمی‌شود، بلکه سرتاسر زندگی روزمره از جمله قلمرو اندیشه و عمل ما را نیز در برمی‌گیرد. ماتور (۱۹۶۲) با بررسی

چند بعد می‌تواند اتفاق بیفتد، که عبارتند از: بعد اجتماعی، همچون دیدگاه متفاوت زنان و مردان به یکدیگر و جهان؛ منطقه‌ای، همچون عوامل محیطی و جغرافیایی؛ سبک، که تعدادی از عوامل همانند شنوندگان، موضوع، زمینه و رسانه تعیین می‌کند؛ خرده فرهنگ‌ها، که هر یک استعاره‌های خود را دارند، همچون بیماران افسرده؛ و بعد فردی که نوآوری در استعاره را موجب می‌شود.

کووچش (۲۰۱۰) در اشاره به عامل محیطی و جغرافیایی، در استعاره به زبان هلندی، اشاره می‌کند که این زبان، فاقد استعاره‌ای در حوزه حیوانات است؛ اما در گونه‌ای از این زبان، در آفریقای جنوبی، با عنوان هلندی آفریکنس استعاره حیوانات دیده می‌شود. همچنین وی (۲۰۰۳) استعاره‌های احساسی را وابسته به فرهنگ می‌داند، که برخلاف استعاره‌های بدنی (که جهانی می‌باشند) هستند.

علیزاده (۱۳۸۹) در مقاله خود، با هدف بررسی رابطه بین تاثیر زبان اول و دوم بر استعاره، در پژوهشی بر روی افراد یک زبانه و دو زبانه آذری زبان افسرده، به این نتیجه رسید که افراد دو زبانه استعاره‌های زبان اول را به‌طور معناداری، بیش از استعاره‌های زبان دوم به یاد می‌آوردند. همچنین افراد دو زبانه افسرده، استعاره‌های منفی زبان اول را به شکل معناداری، بیش از استعاره‌های منفی زبان دوم خود فرا می‌خوانند. وی به این نتیجه رسید که استعاره‌ها، از یک طرف ترجیحات فردی، و از دیگر سو ترجیحات فرهنگی گوینده را مشخص می‌سازند.

۳. تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، ۲۸۹ استعاره از اشعار ترکی، از کتاب کلیات اشعار شهریار (۱۳۹۰) و ۱۲۴۸ نمونه استعاره از اشعار فارسی، از دیوان فارسی شهریار (۱۳۹۱) استخراج گردید. سپس استعاره‌ها در حوزه‌های طبیعت، مذهب، عشق و هجران، سیاسی

آثار فیلسوفان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران فرانسوی، به دنبال ساخت هندسه ذهنی اندیشه فرانسوی و فضای ذهنی این زبان بود. رابطه میان قوه شناختی و فرهنگ نیز، مورد توجه فراوان قرار گرفته است. دآندرید (۱۹۸۱) در همین زمینه، برای قوه شناخت بخش‌های مختلفی را در نظر می‌گیرد، که یک بخش عمده آن را بخش فرهنگی می‌داند. تالمی (۲۰۰۰) فرهنگ را سازه‌شناختی نظام‌مند تعریف می‌کند و راسخ مهند (۱۳۸۹)، معتقد است که سازمان‌های اجتماعی، اسطوره، رویا، اخلاقیات و تبلیغات نیز دارای ساخت استعاری هستند. آندرهیل (۲۰۱۱) از پیروان دیدگاه هومبولت، معتقد است که بخش عمده جهان‌بینی از طریق زبان حاصل می‌شود، و با بررسی مقابله‌ای مفاهیم زبان‌ها می‌توان به جهان‌بینی آن‌ها دست یافت. زبان ابزار فشار اجتماعی است و شاعران و فیلسوفان با استعانت از واقعیت، جهان‌بینی ما را شکل می‌دهند. وی در این میان، استعاره را یکی از مهم‌ترین دریچه‌های ورود به جهان‌بینی افراد و ملت‌ها می‌نامد؛ برای نمونه بر پایه استعاره‌ها است که زبان فرانسه، زبان اشعار عاشقانه و زبان انگلیسی زبان گفتمان سیاسی در نظر گرفته می‌شود.

کووچش (Kovecses: 2000) به جهانی‌های استعاری احساسات می‌پردازد و علی‌رغم طرحواره هسته‌ای مشترک، به تفاوت‌های بیان این حوزه، در زبان‌های مختلف می‌پردازد. کووچش (۲۰۰۵) برای استعاره ماهیتی دوگانه در نظر می‌گیرد: «جهانی و همگانی از یک سو، و متنوع و گوناگون از سوی دیگر. بعضی از استعاره‌ها، نزدیک به جهانی یا بالقوه جهانی هستند، که نتیجه تجربیات مشترک انسان‌ها باشد. در عین حال، در جهت مفهوم‌سازی استعاری علاوه بر فشار عاطفی، فشار بافت هم وجود دارد. استعاره‌ها نه تنها از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت هستند، بلکه استعاره‌های موجود در یک فرهنگ هم با یکدیگر تفاوت دارند. این گوناگونی از

و اجتماعی، مذهبی و اعتقادی و نژادی قرار گرفتند. از میان این موارد، تنها به چند مورد از هر نوع اشاره می‌شود.

۱-۳. ترکی

۱-۱-۳. طبیعت

۱. آغ بولوتلار کوینکلرین سیخاندا (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۳۱ / حیدر بابایا سلام / بند ۳)، استعاره: کوینکلرین سیخاندا / جامه‌شان را می‌چلانند
۲. آی بولوتدان چیخوب، قاش گوز آتанда (کلیات ترکی ۱۳۹۰ / ص ۳۵ / حیدر بابایا سلام / بند ۱۹)، استعاره: قاش گوز آتанда / چشم و ابرو انداختن
۳. قاری ننه اوزداند ایشینی گون بولوتدا ایرردی تشینی (کلیات ترکی ۱۳۹۰ / ص ۴۰ / حیدر بابایا سلام / بند ۴۰)، استعاره: گون بولوتدا ایرردی تشینی / خورشید در ابر با دوک نخ می‌ریسد.
۴. حیدربابا، سنون اوزون آغ اولسون / دؤرت بیر یانون بولاغ باغ اولسون، (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۳۲ / حیدر بابایا سلام / بند ۵)، استعاره: سنون اوزون آغ اولسون / حیدربابا رو سفید باشی.

۲-۱-۳. عشق و هجران

۱. اودلار سونوب اونون اودی سونمه‌ییب / فلک چونوپ اونون چرخ‌ی چونمه‌ییب (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۵۹ / ایکنجی حیدر بابایا سلام / بند ۱۲۰)، استعاره: اونون اودی سونمه‌ییب / آتش او خاموش نشده است.
۲. محراب شفقه ئوزومی سجده ده گوردوم / قان ایچره غمیم یوخ، اوزوم اولسون سنه ساری (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۶۳ / بهجت آباد خاطره‌سی / بیت ۱۴)، استعاره: قان ایچره / خون دل بخورم.
۳. دان اولدوزی ایستهر چیخا، گوز یالواری چیخما / او چیخماسادا، اولدوزومون یوخدی چیخاری (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۶۲ / بهجت آباد خاطره‌سی / بیت ۶)، استعاره: اولدوزومون یوخدی چیخاری / ستاره

من توانایی (به این‌جا آمدن را) ندارد.

۳-۱-۳. سیاسی اجتماعی

۱. یامان یترده گون دؤندی، آخشام اولدی / دنیا منه خرابه شام اولدی (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۴۲ / حیدر بابایا سلام / بند ۵۰)، استعاره: دنیا منه خرابه شام اولدی / دنیا برای من خرابه شام شد.
۲. حیدربابا، گول غنچه‌سی خنداندی / آما حیف، اورک غذاسی قاندى (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۴۶ / حیدر بابایا سلام / بند ۶۸)، استعاره: اورک غذاسی قاندى / اما حیف غذای قلب خون است.
۳. زندگانلیق بیر قارانلیق زینداندى (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۴۶ / حیدر بابایا سلام / بند ۶۸)، استعاره: زندگانلیق زینداندى / زندگی یک زندان تاریک است.
۴. گوزده یاشلار چیراغ اولدی (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۷۸ // سهندیم / بند ۶۹)، استعاره: یاشلار چیراغ اولدی / اشک‌ها چراغ شدند.

۴-۱-۳. اعتقادی و مذهبی

۱. حسینون کؤینگی زهرا الینده / چکر قیحا قیامت، محشر آغلار (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۱۸۸ / تضمین / بیت ۱)، استعاره: چکر قیحا قیامت، محشر آغلار، قیامت ضجه می‌زند، محشر گریه می‌کند.
۲. یازاندا آل طه نوحه‌سین من / قلم گوردوم سیزیلدار، دفتر آغلار / دیدم قلم ضجه خواهد زد، دفتر گریه خواهد کرد (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۱۸۹ / تضمین / بیت ۸)، استعاره: قلم سیزیلدار، دفتر آغلار / قلم ضجه می‌زند، دفتر گریه می‌کند.
۳. نیسگیلی سؤز اورکلره ده‌یردی / آغاشلاردا آلاها باش ایردی (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۳۴ / حیدر بابایا سلام / بند ۱۴)، استعاره: آغاشلار باش ایردی / درختان سر خم کردند.
۴. علی (ع)، شق القمر، محراب تیلیت قان / قولاق وئر، مسجد اوخشار منبر آغلار (دیوان ترکی ۱۳۹۰ / ص ۱۸۹ / تضمین / بیت ۹)، استعاره:

یک، ۱۳۹۱/ص ۷۸/ریحانه یا کبوتر حرم/ بیت ۱۰)،
استعاره: ریحانه.

۵. طبعم از لعل تو آموخت دُرانشانی‌ها/ ای
رخت چشمه خورشید درخشانی‌ها (دیوان فارسی،
جلد یک، ۱۳۹۱/ص ۹۴/ دریاچه اشک/ بیت ۱)،
استعاره: لعل، چشمه خورشید.

۳-۲-۳. سیاسی اجتماعی

۱. ره ماتم سرای ما ندانم از که می‌پرسد/ زمستانی که
نشاسد در دولت‌سرایان را (دیوان فارسی، جلد یک،
۱۳۹۱/ص ۸۶/ ارباب زمستان/ بیت ۲)، استعاره:
زمستان.

۲. به دوش از برف بالاپوش خز ارباب می‌آید/
که لرزاند تن عریان بی‌برگ و نوایان را (دیوان
فارسی، جلد یک، ۱۳۹۱/ص ۸۶/ ارباب زمستان/
بیت ۳)، استعاره: بی‌برگ.

۳. چونی ای کشور آزاده، اسیر/ چونی ای شیر
ژیان در زنجیر (دیوان فارسی، جلد دو، ۱۳۹۱/
ص ۹۵۰/ بیان یک جوان/ بیت ۴۴)، استعاره: شیر ژیان.

۴. ماه پس زد پرده دود و غبار جنگ و دید/
اژدهایی شهر را پیچیده بر دور کمر (دیوان فارسی،
جلد دو، ۱۳۹۱/ص ۸۷۲/ قهرمانان استالینگراد/
بیت ۵۳)، استعاره: اژدها: آدم ظالم.

۳-۲-۴. مذهبی

۱. پس از این صید غزالان حرم، آل سعود/ کی
توانند دگر تکیه به اورنگ کنند (دیوان فارسی،
جلد دو، ۱۳۹۱/ص ۱۱۵۴/ جمعه خونین/ بیت ۶)،
استعاره: غزالان حرم.

۲. علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را/
که به ماسوا فکندی همه سایه هما را (دیوان
فارسی، جلد یک، ۱۳۹۱/ص ۶۹/ مناجات/
بیت ۱)، استعاره: همای رحمت.

۳. نشوی غره به مهمانی دنیا/ کاین سیه سفره
گلوگیر کند مهمان را (دیوان فارسی، جلد یک، ۱۳۹۱/

مسجد اوخشار منبر آغلار/ گوش بده مسجد نوحه
خواهد خواند و منبر گریه خواهد کرد.

۳-۲. فارسی

۳-۲-۱. طبیعت

۱. فلک بین شهریارا کز میان این همه کوکب/
نیاویزد به گردن جز گلوبند ثریا را (دیوان فارسی،
جلد یک، ۱۳۹۱/ص ۷۵/ دختر ترسا/ بیت ۱۳)،
استعاره: کوکب، گلوبند ثریا.

۲. در ابر سیه مقبره مرتعش ماه/ چون نعش
کبوتر که به چنگال عقاب است (دیوان فارسی،
جلد یک، ۱۳۹۱/ص ۱۰۲/ سد شکسته/ بیت ۳)،
استعاره: مقبره.

۳. بلبل از دفتر گل آیت موسیقی خواند/ کاین
همه پرده الحان و اغانی دانست (دیوان فارسی،
جلد یک، ۱۳۹۱/ص ۱۱۹/ ره‌آورد شیراز/ بیت ۸)،
استعاره: دفتر گل، آیت موسیقی.

۴. نوبهار است و صفایه صفایی دارد/ کوهساران
به ببر از سبزه قبایی دارد (دیوان فارسی، جلد یک،
۱۳۹۱/ص ۱۶۳/ صفایه/ بیت ۱۱)، استعاره: قبا.

۳-۲-۲. عشق و هجران

۱. آتش عشق تو فردوس برین بود مرا/ که گلستان
خلیل آمده ناز نمرود (دیوان فارسی، جلد یک، ۱۳۹۱/
ص ۵۰۶/ پرتو پاینده/ بیت ۶)، استعاره: گلستان خلیل.

۲. هوس دیدن سیمای تو ای ماه محاق / آه
سردم شد و در هاله آن سیما مُرد (دیوان فارسی،
جلد دو، ۱۳۹۱/ص ۱۲۲۱/ ماه محاق/ بیت ۱۷)،
استعاره: ماه محاق.

۳. با تو رفت آری بهار و برگ شاداب و شکوفه/
ای درخت میوه سبب و هلوی بهجت آباد (دیوان
فارسی، جلد یک، ۱۳۹۱/ص ۴۸۴/ کوی بهجت آباد/
بیت ۸)، استعاره: درخت میوه سبب و هلوی (معشوق).

۴. نسبت نتوان کرد به شمع و گل و ریحان/
رخساره مهتابی ریحانه ما را (دیوان فارسی، جلد

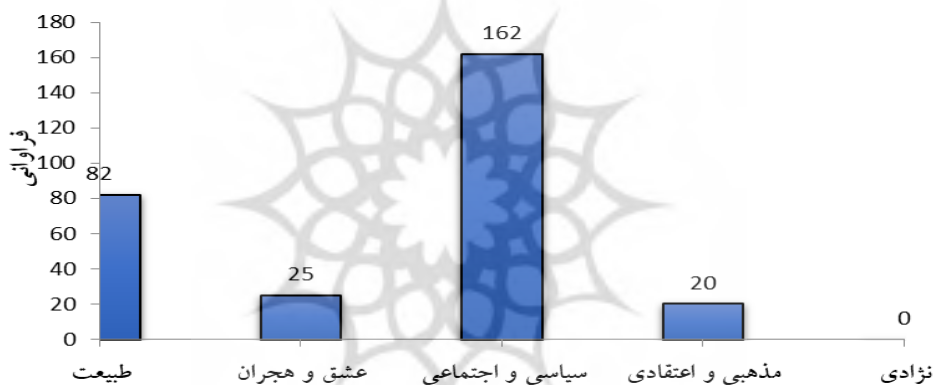
به رشتی کله‌ماهی‌خور به طوسی کله‌خر گفتی (دیوان فارسی، جلد دو، ۱۳۹۱/ص ۱۲۲۶/ تهران و تهرانی/ بیت ۴)، استعاره: کله‌ماهی‌خور، کله‌خر. نمودار ۳-۱ فراوانی حوزه‌های استعاری در اشعار ترکی آذری را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین حوزه استعاری در اشعار ترکی، مربوط به حوزه سیاسی و اجتماعی (۱۶۲)، پس از آن مربوط به حوزه طبیعت (۸۲)، عشق و هجران (۲۵)، در مرحله بعدی مذهبی و اعتقادی (۲۰) است. همچنین در اشعار ترکی آذری، از استعاره نژادی استفاده نشده است.

ص ۸۶/ تهران و یاران/ بیت ۱۲)، استعاره: سیه سفره. ۴. نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت/ متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را (دیوان فارسی، جلد یک، ۱۳۹۱/ ص ۶۹/ مناجات/ بیت ۹)، استعاره: شه ملک لافتی.

۳-۲-۵. نژادی

۱. قمی را بد شمردی اصفهانی را بتر گفتی/ جوانمردان آذربایجان را ترک خر گفتی (دیوان فارسی، جلد دو، ۱۳۹۱/ ص ۱۲۲۶/ تهران و تهرانی/ بیت ۵)، استعاره: ترک خر. ۲. تو ای بیمار نادانی چه هذیان و هدر گفتی/

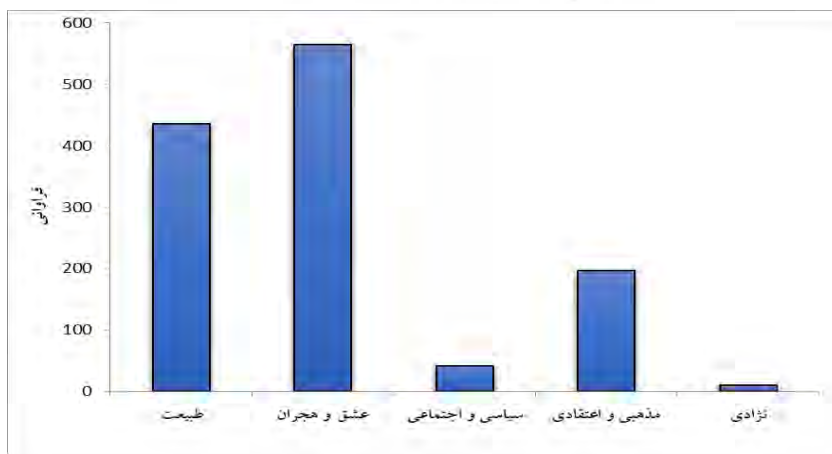
نمودار ۳-۱. فراوانی حوزه‌های استعاری اشعار ترکی شهریار



(۴۳۵)، در رتبه بعدی مذهبی و اعتقادی (۱۹۷)، سپس سیاسی و اجتماعی (۴۲) و در نهایت نژادی با (۱۰) در پایین‌ترین رتبه قرار دارد.

نمودار ۳-۲ فراوانی استعاره‌ها را در حوزه‌های پنج‌گانه را نشان می‌دهد. بیشترین فراوانی مربوط به عشق و هجران (۵۶۴)، پس از آن حوزه طبیعت

نمودار ۳-۲. فراوانی حوزه‌های استعاری اشعار فارسی شهریار



۳-۳. آمار استنباطی

استعارای اشعار ترکی و فارسی شهریار، رابطه

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین حوزه‌های معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۱-۳. توافقی بین دو متغیر زبان اشعار و حوزه‌های استعارای اشعار شهریار

کل	حوزه‌های استعارای					فروانی	ترکی	فارسی
	نژادی	مذهبی و اعتقادی	سیاسی و اجتماعی	عشق و هجران	طبیعت			
۲۸۹	۰	۲۰	۱۶۲	۲۵	۸۲	فروانی	۲۸/۴	۴۳۵
۱۰۰	۰	۶/۹	۵۶/۱	۸/۷	۲۸/۴	درصد فراوانی		
۱۲۴۸	۱۰	۱۹۷	۴۲	۵۶۴	۴۳۵	فروانی	۳۴/۹	۵۱۷
۱۰۰	۰/۸	۱۵/۸	۳/۴	۴۵/۲	۳۴/۹	درصد فراوانی		
۱۵۳۷	۱۰	۲۱۷	۲۰۴	۵۸۹	۵۱۷	فروانی	کل	

صفر) است. به عبارتی بین دو متغیر زبان اشعار و حوزه‌های استعارای، رابطه معنی‌دار وجود دارد. یا واضح‌تر این که متغیر مستقل (زبان اشعار)، بر متغیر وابسته (حوزه‌های استعارای) تاثیر می‌گذارد.

جدول ۳-۳. همبستگی

س	مقدار	Approx. Sig.
فی (Phi)	۰/۶۲	۰/۰۰۰
کرامر (Cramer's V)	۰/۶۲	۰/۰۰۰

با توجه به آزمون خی دو، ثابت شد که بین دو متغیر زبان اشعار و حوزه‌های استعارای رابطه معنادار وجود دارد. برای بررسی شدت همبستگی این رابطه، از آزمون کرامر و فی استفاده شد. از آنجا که (sig.) یعنی سطح معناداری هر دو آزمون کمتر از ۰/۰۱ است، در نتیجه شدت همبستگی بین این دو متغیر، در سطح ۹۹ درصد تأیید می‌گردد.

۳-۳-۱. آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای (Binomial test)

در این قسمت، برای بررسی معنی‌دار بودن فاصله دوه‌دو حوزه‌های استعارای مورد استفاده در اشعار ترکی و فارسی شهریار، از آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای استفاده شد. این آزمون غیرپارامتری، معادل آزمون پارامتری t یک نمونه‌ای است که

جدول توافقی بالا محتوی فراوانی توام دو متغیر زبان اشعار و حوزه‌های استعارای اشعار شهریار را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود در اشعار ترکی شهریار حدود ۲۸/۴ درصد از استعاره‌ها مربوط به حوزه طبیعت، ۸/۷ درصد حوزه عشق و هجران، ۵۶/۱ درصد حوزه سیاسی و اجتماعی، ۶/۹ درصد حوزه مذهبی و اعتقادی و صفر درصد نژادی هستند. در مقابل در اشعار فارسی شهریار حدود ۳۴/۹ درصد مربوط به حوزه طبیعت، ۴۵/۲ درصد حوزه عشق و هجران، ۳/۴ درصد حوزه سیاسی و اجتماعی، ۱۵/۸ درصد حوزه مذهبی و اعتقادی و ۰/۸ درصد حوزه نژادی هستند.

جدول ۲-۳. آزمون خی دو

	مقدار	درجه آزادی	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	۵۹۰/۹۱۳	۴	۰/۰۰۰
Likelihood Ratio	۴۸۵/۷۸۸	۴	۰/۰۰۰
Linear-by-Linear Association	۳۳/۰۰۸	۱	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌کنید، معیار تصمیم (Asymp. Sig. (2-sided) از ۰/۰۱ کمتر است، که دلیل بر رد فرضیه H0 (فرضیه

این دو زبان، جهانی است.

فرضیه فرعی دو: حوزه «عشق و هجران» جهانی است.

آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای:

زبان اشعار	تعداد	نسبت‌های مشاهده شده	نسبت آزمون	Sig.
ترکی	۹	۰/۱۷		
فارسی	۴۵	۰/۸۳	۰,۵	*,*,*,*,*
کل	۵۴	۱		

***: معنی داری در سطح یک درصد

با توجه به مقدار Sig. آزمون دوجمله‌ای، که کمتر از ۰,۰۱ است، بنابراین بین نسبت‌های مشاهده شده اشعار ترکی و اشعار فارسی از لحاظ استفاده استعاره، در حوزه عشق و هجران اختلاف معنی داری در سطح یک درصد، وجود دارد و حدود ۱۷ درصد در اشعار ترکی، و ۸۳ درصد در اشعار فارسی، از استعاره‌های حوزه عشق و هجران استفاده شده است. به عبارتی فرضیه صفر رد می‌شود. در نتیجه، فرضیه بالا رد می‌شود و در واقع حوزه استعاره عشق و هجران، در قلمرو این دو زبان جهانی، نیست.

فرضیه فرعی سه: حوزه «سیاسی و اجتماعی» جهانی است.

آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای:

زبان اشعار	تعداد	نسبت‌های مشاهده شده	نسبت آزمون	Sig.
ترکی	۵۶	۰/۹۵		
فارسی	۳	۰/۰۵	۰,۵	*,*,*,*,*
کل	۵۹	۱		

***: معنی داری در سطح یک درصد

با توجه به مقدار Sig. آزمون دوجمله‌ای، که کمتر از ۰,۰۱ است، بنابراین بین نسبت‌های مشاهده شده اشعار ترکی و اشعار فارسی از لحاظ استفاده استعاره، در حوزه سیاسی و اجتماعی، اختلاف معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد

اساس آن توزیع دوجمله‌ای می‌باشد. آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای، در صورتی استفاده می‌شود که مقیاس داده‌ها اسمی و رتبه‌ای باشد، و داده‌ها شرایط استفاده از آزمون پارامتری را نداشته باشد.

در این قسمت، چون هدف مقایسه تک به تک حوزه‌های استعاری در اشعار ترکی و فارسی شهریار می‌باشد، و از طرفی با توجه به این که تعداد ابیات مورد بررسی در هریک از اشعار ترکی و فارسی باهم یکسان نیست، لذا برای مقایسه بهتر و منطقی به جای فراوانی حوزه‌های استعاری، از درصد فراوانی آن‌ها در آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای استفاده شد، که نتایج آن قابل اعتمادتر است. لذا در جدول نتایج آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای، در ستون مربوط به تعداد، اعداد ذکر شده در واقع، درصد فراوانی گرد شده حوزه‌های استعاری در هریک از اشعار ترکی و فارسی می‌باشد.

فرضیه فرعی یک: حوزه «طبیعت» جهانی است.

آزمون ناپارامتری دوجمله‌ای:

زبان اشعار	تعداد	نسبت‌های مشاهده شده	نسبت آزمون	Sig.
ترکی	۲۸	۰/۴۴		
فارسی	۳۵	۰/۵۶	۰,۵	ns,*,*,*,*
کل	۶۳	۱		

ns: عدم معنی داری

با توجه به مقدار Sig. آزمون دوجمله‌ای، که بیشتر از ۰,۰۵ است. بنابراین بین نسبت‌های مشاهده شده اشعار ترکی و اشعار فارسی، از لحاظ استفاده استعاره در حوزه طبیعت، اختلاف معنی داری وجود ندارد. حدود ۴۴ درصد در اشعار ترکی و ۵۶ درصد در اشعار فارسی، از استعاره‌های حوزه طبیعت استفاده شده که این درصد تقریباً به هم نزدیک است و تفاوت معنی داری ندارد. به عبارتی فرضیه صفر مورد تأیید است. در نتیجه، فرضیه بالا مورد تأیید است و در واقع حوزه استعاری طبیعت، در قلمرو

۴. نتیجه‌گیری و بحث

در گذشته، استعاره مورد توجه حوزه‌های گوناگون از جمله فلسفه، علوم بلاغی و اخیراً زبان‌شناسی بوده است؛ اما امروزه استعاره حوزه‌های متفاوتی را در برمی‌گیرد و می‌تواند آینه تمام‌نمای فرهنگ و اندیشه جوامع زبانی و جهان‌بینی آنان باشد. پژوهش حاضر، در پی حل این مسئله بود که آیا استعاره‌های شعری در اشعار شهریار، به‌عنوان شاعر دو زبانه وابسته به زبان است و یا چون یک شاعر وجود داشته و یک نظام مفهومی آن را خلق نموده، تشابهات فراوانی وجود دارد؟

به‌طور کلی، داده‌ها ۱۵۳۷ استعاره بود که ۲۸۹ نمونه از اشعار ترکی شهریار، و ۱۲۴۸ مورد از اشعار فارسی وی استخراج گردید. بررسی آماری نشان داد که در اشعار ترکی، ۲۸/۴ درصد از استعاره‌ها در حوزه طبیعت، ۸/۷ در حوزه عشق و هجران، ۵۶/۱ درصد در حوزه اجتماعی و سیاسی، ۶/۹ درصد در حوزه مذهبی و اعتقادی قرار دارند. در اشعار به این زبان، هیچ استعاره‌ای مربوط به حوزه نژادی دیده نمی‌شود. در اشعار فارسی ۳۴/۹ درصد، استعاره‌ها در حوزه طبیعت، ۴۵/۲ درصد در حوزه عشق و هجران، ۳/۴ در حوزه سیاسی و اجتماعی، ۱۰/۸ در حوزه مذهبی و اعتقادی و ۰/۸ در حوزه نژادی قرار دارند. با بررسی آماری ناپارامتری دو جمله‌ای، در قلمرو دو زبان، مشخص گردید که حوزه‌های طبیعت و مذهبی و اعتقادی جهانی و حوزه‌های عشق و هجران، سیاسی و اجتماعی و نژادی وابسته به زبان هستند. در تبیین یافته‌های فوق، باید نگاهی به جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی جامعه زبانی این دو زبان پردازیم. همان‌گونه که مشاهده شد، درصد استعاره‌های مربوط به طبیعت در هر دو اشعار ترکی آذری و فارسی، نزدیک به هم هستند. با توجه به این‌که شهریار در شهر تبریز متولد شده بود و از دوران کودکی به تهران آمده بود و نیز این دو شهر

و حدود ۹۵ درصد در اشعار ترکی، و ۵ درصد در اشعار فارسی، از استعاره‌های حوزه سیاسی و اجتماعی استفاده شده است. به عبارتی فرضیه صفر رد می‌شود. در نتیجه، فرضیه بالا رد می‌شود و در واقع حوزه استعاره‌های سیاسی و اجتماعی، در قلمرو این دو زبان، جهانی نیست.

فرضیه فرعی چهار: حوزه «مذهبی و اعتقادی» جهانی است.

آزمون ناپارامتری دو جمله‌ای:

زبان اشعار	تعداد	نسبت‌های مشاهده شده	نسبت آزمون	Sig.
ترکی	۷	۰/۳۰		
فارسی	۱۶	۰/۷۰	۰,۵	۰,۰۹۳ ^{ns}
کل	۲۳	۱		

ns عدم معنی‌داری

با توجه به مقدار Sig. آزمون دو جمله‌ای، که بیشتر از ۰,۰۵ است، بنابراین بین نسبت‌های مشاهده شده اشعار ترکی و اشعار فارسی از لحاظ استفاده استعاره، در حوزه مذهبی و اعتقادی اختلاف معنی‌داری وجود ندارد و حدود ۳۰ درصد در اشعار ترکی، و ۷۰ درصد در اشعار فارسی، از استعاره‌های حوزه مذهبی و اعتقادی استفاده شده است. به عبارتی فرضیه صفر مورد تأیید است. در نتیجه، فرضیه بالا مورد تأیید است و در واقع حوزه استعاره‌های مذهبی و اعتقادی در قلمرو این دو زبان، جهانی است.

فرضیه فرعی پنج: حوزه «نژادی» جهانی نیست.

با توجه به این‌که در اشعار ترکی شهریار، از حوزه استعاره‌های نژادی اصلاً استفاده نشده و در مقابل، در اشعار فارسی شهریار، از حوزه استعاره‌های نژادی، به میزان ۰/۸ درصد استفاده شده که در مقایسه با صفر درصد (اشعار ترکی)، این فاصله خودبه‌خود معنی‌دار است و نیازی به آزمون‌های آماری نیست. در نتیجه، می‌توان گفت حوزه‌های استعاره‌های نژادی در قلمرو این دو زبان، جهانی نیست.

دانست. درحالی که آذری‌زبانان، تنها از یک قوم و نژاد هستند. با در نظر گرفتن تحلیل آماری و تقسیم‌بندی استعاره‌ها، به دو نوع جهانی و متغییر براساس دیدگاه کووچش (۲۰۰۵)، می‌توان در قلمرو اشعار شهریار به دو زبان ترکی آذری و فارسی، مفاهیم طبیعت، مذهبی و اعتقادی را جهانی، و عشق و هجران، سیاسی و اجتماعی و نژادی را متغییر و وابسته به فرهنگ دانست. براساس یافته‌های این پژوهش شاید بتوان از منظر جهان‌بینی شهریار، زبان فارسی را زبان بیان عشق و احساسات، و زبان ترکی را زبان بیان باورهای اجتماعی و سیاسی در نظر گرفت. همچنین به نظر می‌رسد که دو زبانگی شهریار، تأثیر محسوسی بر مفاهیم استعاری در اشعار او ندارد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با بررسی تطبیقی بسامد استعاره‌ها در زبان‌های مختلف، می‌توان به یک رده‌بندی جهانی از جهانی‌ها و تنوعات استعاره در بافت گسترده جهانی دست یافت، که در آن با تقسیم‌بندی حوزه‌ها به حوزه‌های فرعی‌تر به یک سلسله مراتب جهانی و فرهنگی و اجتماعی دست یافت. براساس دیدگاه شناختی، تصورات ذهنی مبنای شکل‌دهنده تصورات استعاری هستند. از سوی دیگر، اعتقاد بر این است که تفکرات، تجارب و فرهنگ هر ملت، خاص همان ملت است و در زبان آن‌ها بازتاب می‌یابد. پایان‌نامه حاضر با هدف بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی در دو زبان فارسی و ترکی آذری، به نگارش درآمده است و بر آن است تا به این سوال پاسخ دهد که چه عواملی بر شکل‌گیری استعاره‌ها در اشعار یک شاعر دو‌زبانه مانند شهریار، دخیل هستند و آیا این استعاره‌ها می‌توانند جهان‌بینی شاعر را منعکس کند؟ چارچوب نظری این پژوهش طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰ و ۱۹۹۳) از استعاره‌های مفهومی، و نیز زولتان کووچش (۲۰۰۵) و (۲۰۱۰) در تقسیم‌بندی استعاره‌ها به جهانی و متغییر، وابسته به بافت و فرهنگ است. استعاره‌ها در ۵ گروه

اقلیم مشابهی دارند، این تشابه درصد استعاره طبیعت در این اشعار، قابل پیش‌بینی است. همچنین استعاره‌های مربوط به مذهب و اعتقادات نیز به لحاظ آماری، در این دو نوع از اشعار تقریباً برابر هستند. روشن است که دلیل این تشابه، یکسانی قریبی مذهب و باورهای اعتقادی و مذهبی در شهرهای تبریز و تهران است. اما براساس یافته‌ها، حوزه عشق و هجران به لحاظ آماری، درصد مشابهی ندارند. در حقیقت در اشعار فارسی، تقریباً ۵ برابر بیش از اشعار ترکی آذری، از استعاره‌های عشق و هجران استفاده می‌شود. دلیل این امر را باید در سنت ادبیات و اشعار این دو زبان جستجو کرد. زبان فارسی با داشتن شاعرانی همچون حافظ و سعدی که بیشتر اشعارشان در قالب غزل بود، دارای پیشینه‌ای غنی از موضوعات عشق و هجران است، که دیگر شاعران نیز از آن‌ها بهره می‌برند. در مقابل، چنین سنتی در ادبیات و اشعار ترکی آذری، دیده نمی‌شود. در حوزه سیاسی و اجتماعی نیز، تفاوت چشمگیری بین استعاره‌ها در اشعار ترکی آذری و فارسی دیده می‌شود. به‌طوریکه ۵۶/۱ درصد از استعاره‌ها، در اشعار ترکی آذری، مربوط به این حوزه است و در عوض، این مقدار در اشعار فارسی، ۳/۴ درصد است. بنابراین حوزه سیاسی و اجتماعی در اشعار ترکی آذری، ۱۶/۵ برابر اشعار فارسی است. با نگاهی به اوضاع سیاسی و اجتماعی زادگاه شهریار، روستای خشک‌کناب، که منطقه‌ای محروم و فقیرنشین است و روستاییان آن منطقه وضعیت نابسامان و فلاکت باری دارند که حاصل غارت و چپاول اربابان و خان‌ها است که به‌ویژه در اواخر شعر بلند حیدربابا به آن اشاره شده، شاید بتوان این تأکید بر موضوع اجتماعی و سیاسی را انعکاس این وضعیت دانست. در مورد استعاره‌های حوزه نژاد، مشاهده گردید که تفاوتی آماری بین این حوزه در اشعار ترکی آذری و فارسی وجود دارد، که دلیل آن را می‌توان گستره و تنوع قومی فارسی‌زبانان

_____ (۱۳۹۱). *دیوان شهریار*. جلد ۱ و ۲. تهران: نگاه.
علیزاده فرد، سوسن؛ احدی، حسن؛ عشایری، حسن؛ اسکندری، حسین (۱۳۸۹). مقایسه اثربخشی استعاره‌های زبان اول و زبان دوم در فرآیند استعاره درمانی افراد دو زبانه مبتلا به افسردگی. *مجله روان‌شناسی بالینی*. سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، صص ۸۳-۷۳.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: نشر هما.

D'Andrade, R.G. (1981). The cultural part of cognition. *Cognitive science*, 5, 179-195.

Kovecses, Z. (2002). *Metaphor and emotion*. New York. Cambridge: Cambridge University Press.

_____ (2005). *Universality and Variation in the Use of Metaphor*. New York. Cambridge: Cambridge University Press.

_____ (2010). *Metaphor, A Practical Introduction*. (2nd Edition), Oxford: Oxford University Press.

Lakoff, G.; Jonson, M. (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago and London: University of Chicago Press.

MacLeish, Archibald (1961). *Poetry and Experience*. Houghton: Houghton Mifflin.

Matore, G. (1962). *Lespace Humain*. Paris: La Colombe.

Lakoff, G. (1993). *The contemporary theory of metaphor*, in *Metaphor and Thought*, (2nd Edition) Andrew Ortony (Ed.). Cambridge: Cambridge University Press.

Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics*, vol. 1.: *Concept Structuring Systems*, Cambridge: MIT Press.

Underhill, J.W. (2011). *Creating Worldviews: Metaphor, Ideology and Language*. Edinburg: Edinburg University Press.

طبیعت، عشق و هجران، مذهبی و اعتقادی، سیاسی و اجتماعی و نژادی قرار گرفتند. نتایج آماری نشان داد که در قلمرو این دو زبان، حوزه‌های استعاری «طبیعت»، «مذهبی و اعتقادی» جهانی هستند؛ ولی حوزه‌های استعاری «عشق و هجران»، «سیاسی و اجتماعی» و «نژادی» وابسته به زبان هستند، و این ادعا که تصورات استعاری نه تنها مقوله‌هایی زبانی هستند، بلکه اساس تفکر و رفتار آدمی را نیز شکل می‌دهند، تأیید شد. در نتیجه، بخشی از استعاره‌ها در تطابق با مبانی همگانی شکل می‌گیرند، و بخش دیگری از آن‌ها تحت تأثیر مبانی فرهنگی و اجتماعی به وجود می‌آیند؛ یعنی ماهیت الگوبرداری‌های استعاری و حتی ترجیح کاربرد یک استعاره مفهومی بر دیگری، تحت تأثیر باورهای فرهنگی افراد در کنار مبانی جهانی استعاره‌ها می‌باشد، و نیز تأثیرپذیری ساخت استعاری از فرهنگ و محیط تأیید می‌شود.

منابع

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۰). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*. تهران: سمت.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.

شهریار، محمدحسین (۱۳۹۰). *کلیات اشعار ترکی شهریار*. تهران: نگاه.